

عنوان مقاله:

دیپلماسی فرهنگی ایران و دولت های اسلامی ساحلی دریای خزر، بستری مناسب در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی

محل انتشار:

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

علی اکبر جعفری - دانشیار دانشگاه مازندران ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

ماری ملکی - کارشناس ارشد دانشگاه مازندران ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

خلاصه مقاله:

فرهنگ و ابزارهای علمی در بسیاری از موارد ضمیم ناخودآگاه مخاطبان خود را هدف قرار می دهد و با لطافت و ظرافت غیرمشهودی بر لایه های عمیق اذهان ایشان تاثیر می گذارد. لذا درمقایسه با سایر ابزارهای شایع در دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی و علمی با سهولت بیشتری در لایه های زیرین جامع و با عمق بیشتری رسوخ می کند و بر جای می ماند. تجربیات فرهنگی به افراد اجازه می دهد تا به صورت ذهنی و عاطفی درگیر شوند، بنابراین، دیپلماسی فرهنگی، می تواند نقش مهمی در ایجاد و استمرار پیوندهای عمیق میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه دریای خزر داشته باشد. کشورهای مسلمان نشین حوزه دریای خزر دارای پیشینه عمیق فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران هستند. توسعه فرهنگ اسلامی ایرانی یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ای و فرامنطقه ای است. بنابراین، در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی تلاش می شود در پاسخ به سوال اصلی پژوهش اینکه دیپلماسی فرهنگی چگونه در توسعه فرهنگ اسلامی ایرانی و پیوند میان کشورهای ساحلی دریای خزر نقش آفرینی کند؟ فرضیه این پژوهش این است که با توجه به پیشینه تاریخی و اشتراکات فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی می تواند به منزله فتح یابی برای مفاهیم بیشتر و بهتر میان کشورهای ساحلی دریای خزر به کار گرفته شود و به مرور زمان، مگر به پایه ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورهای شود و این تعمیق، حتی می تواند به حوزه های اقتصادی، سیاسی و امنیتی هم تسری یابد و سرانجام، دیپلماسی فرهنگی می تواند خلاقه تر، انعطاف پذیرتر و حتی فرصت طلبانه تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه ها طراحی و اجرا شود.

کلمات کلیدی:

الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت، دیپلماسی فرهنگی، ایران، حوزه خزر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1856613>

